

میراث سیاسی مسلمانان (۵)

کتاب‌شناسی میراث سیاسی سده‌های هشتم و نهم هجری

دکتر نصر محمد عارف*

ترجمه: مهرا ن اسماعیلی**

فی مصادر التراث السياسي الاسلامی اثر نصر محمد عارف یکی از مطالعات ارزشمندی است که در حوزه میراث سیاسی اسلام تألیف شده است. ایشان در بخش اول کتاب، به نقد روش شناختی مطالعات سیاسی معاصر و در بخش دوم آن به کتاب‌شناسی میراث سیاسی در اسلام پرداخته است. در شماره‌های پیشین، میراث سیاسی در هفت سده نخستین هجری معرفی گردید. آنچه اکنون پیش روی شماست، ادامه همین کتاب‌شناسی در سده‌های هشتم و نهم هجری است که طی آن ۴۹ مؤلف و ۶۱ اثر معرفی شده‌اند.

این اثر را «المعهد العالمی للفکر الاسلامی» در ۱۹۹۴ منتشر کرده و جایزه کتاب سال مصر را کسب کرده است.

[مطابق روال قبل در آغاز صاحب اثر معرفی شده، پس از آن تألیف یا تألیفات وی آمده است.]

ابن طقطقی (۶۶۰ - ۷۰۹ هـ / ۱۲۶۲ - ۱۳۹۰ م) [مؤلف شماره ۱۰۶]

محمد بن علی بن محمد بن طباطبای علوی معروف به ابن طقطقی، تاریخ‌نگار، ناقد و محقق؛

* محقق مصری و دارای دکترای علوم سیاسی از دانشگاه قاهره.

** دانش آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

وی مقام نقابت علویان در حله، نجف و کربلا را از پدر خود به ارث برده بود.^۱

۱۴۴. الفخری فی آداب السلطانیة^۲

او این کتاب را در ۷۰۱ هـ به فخر الدین عیسی، عامل غازان خان بر موصل، اهدا کرد و نام کتاب برگرفته از اوست. او طبق روش ابن خلدون در آغاز چارچوب نظری خود را ارائه می‌کند و سپس با بررسی تاریخ سیاسی و نظام حکومت در اسلام، بر مسائلی چون وزرات، تدبیر و دولت - که در مقدمه خود در بحث نظری بدان پرداخته بود - تمرکز می‌کند. او فصل اول را که در خصوص امور مربوط به سلطان و تدابیر شاهانه است این‌گونه آغاز کرد که «موضوع این کتاب پادشاهی، حقیقت آن، تقسیمش به پادشاهی دینی و دنیوی، خلافت و سلطنت و امارت و ولایت، مطابق شرع بودن یا نبودن و دیدگاه‌های صاحب نظران درباره امامت نیست، بلکه این کتاب به تدابیر و سیاست‌هایی می‌پردازد که در مسائل و حوادث و اداره رعیت کارایی داشته باشد و به تأمین امنیت مملکت و بهبود اخلاق عمومی بینجامد». ابن طقطقی با حرکت تطبیقی خود در بررسی پدیده سیاست، به ویژگی‌های مناسب و لایق برای حاکم می‌پردازد؛ از جمله عدالت که مایه انباشت اموال، بهبود کارها و وضعیت مردم می‌شود؛ علم، کرامت، شورا، حقوق متقابل پادشاه و مردم بر همدیگر، دسته‌بندی رعیت، تفاوت سیاست‌های مربوط به هر قشر، گونه‌های تدبیر و سیاست، از سیاست منزل گرفته تا سیاست روستا، شهر، ارتش و...

حسن بن عبدالله عباسی (زنده پیش از ۷۱۶ هـ / ۱۳۱۶ م) [مؤلف شماره ۱۰۷]

هاشمی، صفدی، مورخ و صاحب کتاب نزهة المالك و الملوك فی مختصر سيرة من ولی مصر من الملوك.^۳

۱۴۵. آثار الاول فی ترتیب الدول^۴

این کتاب را که در چهار بخش تنظیم شده در ۷۰۸ هـ به پادشاه مملوکی، رکن الدین بیبرس منصوری، اهدا کرد. در بخش اول به قواعد و مقرراتی پرداخته که مایه استمرار مملکت می‌گردد و از این‌رو شامل مباحثی چون نیاز به پادشاه، حکومت، ارکان، قوانین و ویژگی‌هایش، روابط پادشاه با ارکان دولت از جمله امرا، اهل شریعت، علما، فقها، فضلا و بندگان و ناسکان و ضرورت پذیرفتن نصایح آنها و مشاوره با آنان، روابط پادشاه با بازرگانان، پیشه‌وران و کشاورزان است؛ بخش دوم شامل مباحثی درباره رابطه پادشاه با وزرا و دیوانداران و کاتبان، قضات، نامه‌رسانان، حاجبان و ندیمان است. بخش سوم به پادشاهی و اطرافیان شاه اختصاص دارد و در بخش چهارم از روابط خارجی بحث شده است.

ابن رفاعه مصری (۶۴۵ - ۷۱۰ هـ / ۱۲۴۷ - ۱۳۱۰ م) [مؤلف شماره ۱۰۸]

احمد بن محمد بن علی بن مرتفع بن حازم بن ابراهیم بن عباس بن رفعه انصاری، بخاری، مصری، شافعی، فقیه، متولی حسبه در منطقه مصر القديمة و متوفا در قاهره.^۵

۱۴۶. بهجة الوزراء^۶

۱۴۷. الرتبة في الحسبه^۷

ابن تیمیة (۶۶۱ - ۷۲۸ هـ / ۱۲۶۳ - ۱۳۲۸ م) [مؤلف شماره ۱۰۹]

احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن عبدالله بن تیمیة، حرّانی، دمشقی، حنبلی، شیخ الاسلام، محدث، حافظ، مفسر، فقیه، مجتهد، در علوم گوناگون فعالیت داشت، بارها مورد اذیت و بازجویی قرار گرفت و در قلعه قاهره، اسکندریه و دمشق زندانی شد و در قلعه دمشق از دنیا رفت.^۸

۱۴۸. السياسة الشرعية في اصلاح الراعی والرعیة^۹

همان‌گونه که ابن تیمیة در مقدمه این کتاب اظهار داشته، کتاب حول مفهوم ادای امانت به صاحبانش و حکم به عدل دور می‌زند و به دو بخش اصلی تقسیم می‌گردد: در بخش نخست که شامل دو فصل است از ادای امانت در ولایت و اموال بحث می‌شود و مباحثی چون انواع ولایت، اصول متولی کردن اصلح در هر ولایت به تناسب شرایط آن‌جا، اشراف، دیوان، دارایی‌های پادشاه، صدقات، فئی، ظلم والیان به مردم در مسائل مالی، خواه در درآمدها و خواه در هزینه‌ها، طرح می‌گردند. او تأکید می‌کند که بودجه باید در راستای منافع عمومی مسلمانان هزینه شود؛ بخش دوم، کتاب به احکام می‌پردازد و در آن از حدود الهی، تعریف، انواع و عقوبت هر کدام از جمله زنا و حدود الهی از جمله قتل و جرح سخن می‌گوید. ابن تیمیة کتاب را با ذکر ضرورت و اهمیت و وجوب شورا به پایان می‌برد.

۱۴۹. الحسبه^{۱۰}

این کتاب با مباحثی درباره ضرورت تشکیل اجتماع آغاز می‌شود، چرا که منافع دنیوی و اخروی انسان‌ها در گرو جامعه، همیاری و همکاری آنهاست؛ چون همان‌گونه که ابن تیمیة می‌گوید، انسان مدنی الطبع است. از این‌جا وجوب و ضرورت ایجاد حکومت و امارت ثابت می‌شود. او در ادامه، ولایت‌ها را بر می‌شمارد و هدف آن را امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند. نقش متولی حسبه در نظر ابن تیمیة در جوانب گوناگون زندگی از جمله نظارت بر کیل، وزن، تولید، جلوگیری از احتکار کالا و قیمت‌گذاری آن است. از نظر او، طلب علم، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است.

۱۵۰. الامر بالمعروف والنهی عن المنکر^{۱۱}

ابن تیمیة با تعریف امر به معروف و نهی از منکر، وجوب آن و نقش امت اسلامی به عنوان

بهترین امت‌ها (خیرأمة اخرجت للناس) در این خصوص، برای انتقال این مفهوم به دیگر امت‌ها، این اثر را آغاز کرده و سپس به مقررات و شرایط امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد و رفع مفاسد را بر جلب منافع مقدم می‌شمارد، چرا که زوال جوامع بشری و مصایبی که بر سر آنان می‌آید با انجام معصیت و شیوع منکر ارتباط مستقیم دارد و کار مردم جز با عدالت سامان نمی‌یابد. شایان ذکر است که بنا به نظر دکتر سیف الدین عبدالفتاح اسماعیل، مفهوم امر به معروف و نهی از منکر امروزه بیانگر مفهومی است که در علم سیاست از آن به مشارکت سیاسی تعبیر می‌شود.^{۱۲}

ابن اخوه قرشی (۶۴۸ - ۷۲۹ هـ / ۱۲۵۰ - ۱۳۲۹ م) [مؤلف شماره ۱۱۰]

محمد بن محمد بن احمد بن زید بن اخوه قرشی، از اهل حدیث.^{۱۳}

۱۵۱. معالم القربة فی احکام الحسبة^{۱۴}

بنا به نظر محقق این کتاب، «نهاد حسبه» در مصر سابقه طولانی دارد تا این که در ۱۸۰۵ م به دست محمد علی پاشا برچیده شد. این کتاب نیز همچون دیگر کتاب‌هایی که در مورد حسبه نوشته شده با تعریف حسبه و محتسب، نقش، اصول، شرایط محتسب و نحوه انجام امور در تمامی زوایای حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آغاز می‌گردد. ابن اخوه در ادامه به صورت مشروح به تمامی فعالیت‌ها، حرفه‌ها، رفتارها یا نهادها می‌پردازد.

احمد بن محمود جیلی أصفیدی (زنده در ۷۲۹ هـ / ۱۳۲۹ م) [مؤلف شماره ۱۱۲]*

دانشمند و آشنا با برخی از علوم.^{۱۵}

۱۵۲. منهاج الوزراء فی النصیحة^{۱۶}

در سال ۷۲۹ هـ تألیف آن به پایان رسید.

بدر الدین ابن جماعة (۶۳۵ - ۷۳۳ هـ / ۱۲۴۱ - ۱۳۳۳ م) [مؤلف شماره ۱۱۳]

محمد بن ابراهیم بن سعد الله بن جماعة، شیخ الاسلام و قاضی القضاة در شام و مصر، فقیه شافعی، محدث، نحوی، لغت‌شناس، ادیب و آشنا با معارف دیگر. در مصر، دمشق و قدس به قضاوت پرداخت و در مصر و دمشق تدریس کرد و در مسجد الاقصی و جامع اموی و جامع الازهر خطبه خواند و در قاهره از دنیا رفت.^{۱۷}

۱۵۳. تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام^{۱۸}

این اثر که در هفده فصل تنظیم شده است، با امامت، وجوب، نحوه، راه‌های انعقاد و شرایط، انواع آن، ولایت و مراتب آن، وزارت و دیوان‌ها آغاز می‌گردد. بخش اعظم آن به امور مرتبط با جنگ،

* مؤلف شماره ۱۱۱ و اثرش در کتاب نیامده است. مترجم.

غنیمت، فئی، خراج و امور مربوط به اهل ذمه اختصاص دارد.

ابن سید الناس (۶۷۱ - ۷۳۴ هـ / ۱۲۷۳ - ۱۳۳۴ م) [مؤلف شماره ۱۱۴]

محمد بن محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله بن محمد بن یحییٰ یعمری، اندلسی، اشبیلی، مصری، شافعی، معروف به ابن سید الناس، محدث، حافظ، مورخ، فقیه، شاعر، ادیب، نحوی، متولد قاهره، متولی دارالحديث در جامع الصالح و خطیب در جامع الخندق.^{۱۹}

۱۵۴. السبیل المبین فی حکم صلة الامراء والسلطانین^{۲۰}

یوسف مغربی (غربی) مدنی (متوفای ۷۴۳ هـ / ۱۳۴۳ م) [مؤلف شماره ۱۱۵]^{۲۱}

۱۵۵. رساله فی فضل العلماء و حقوق الملوک^{۲۲}

ابوعبدالله شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸ هـ / ۱۲۷۴ - ۱۳۴۸ م) [مؤلف شماره ۱۱۶]

محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز بن عبدالله ترکمانی مصری، امام، حافظ، مورخ، محدث، متولد و متوفای دمشق.^{۲۳}

۱۵۶. رساله فی الامامة العظمی^{۲۴}

ابوعبدالله محمد سلمی (۶۷۲ - ۷۵۰ هـ / ۱۲۷۳ - ۱۳۴۹ م) [مؤلف شماره ۱۱۷]

محمد بن احمد بن جعفر بن عبدالحق بن محمد بن جعفر سلمی، ابوعبدالله، از فضلا.^{۲۵}

۱۵۷. طاعة السلطان و اغائة اللهفان^{۲۶}

ابن هذیل اندلسی (از اعیان سده هشتم هجری / چهاردهم میلادی) [مؤلف شماره ۱۱۸]

ابوالحسن علی بن عبدالرحمن مشهور به ابن هذیل اندلسی، ادیب.^{۲۷}

۱۵۸. عین الادب و السياسة و زین الحسب و الرياسة^{۲۸}

این اثر با مباحثی چون حکمت و علم و ضرورت فضیلت و رسالت آن آغاز می‌شود. مؤلف در فصل اول، مقولات بنیادین در اندیشه سیاسی را به ترتیب حروف بر اساس حرف اول از نخستین جمله دسته‌بندی کرده و در ادامه در هر مقوله به صورت تفصیلی آن را شرح داده است؛ در فصل دوم به موضوعاتی چون مروّت، مکارم اخلاق، مدارا با مردم و رعایت ادب با آنان و مسائل مالی پرداخته و در فصل سوم از اخلاق و صفات شایسته متولیان امر سیاست در همه مراتب و درجات آن سخن گفته است. این کتاب با مجموعه پندهایی که به‌طور کلی مربوط به ابعاد پدیده سیاست است پایان می‌یابد.

ابن قیم جوزیه (۶۹۱ - ۷۵۱ هـ / ۱۲۹۲ - ۱۳۵۰ م) [مؤلف شماره ۱۱۹]

محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریر زرعی، دمشقی، حنبلی، فقیه، اصولی، مجتهد،

مفسّر، متکلم، نحوی، محدث و آشنا با علوم دیگر. در دمشق به دنیا آمد و فقه را فرا گرفت و فتوا

می‌داد. ملازم ابن تیمیه گردید و با او در قلعه دمشق زندانی گردید و در دمشق از دنیا رفت.^{۲۹}

۱۵۹. الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة^{۳۰}

مؤلف در مقدمه کتاب خود پرسش‌هایی را طرح می‌کند که بارزترین آنها عبارتند از: آیا حاکم می‌تواند با کیاست (تیزیبی، علم قیافه) حکم براند، آیا بر سیاست واجب است که مطابق شریعت باشد، آیا سیاست در گذر زمان تغییر می‌کند. در این زمینه گفت‌وگوهای میان ابن عقیل و ابن قییم طرح می‌شود. در ادامه ابن قییم موضوعات سیاست شرعی از جمله حدود، جنایات، نرخ‌گذاری، اختکار، مزارعه، مساقات، حسبه و... را مطرح می‌کند.

طرطوسی (۷۲۰ - ۷۵۸ هـ / ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ م) [مؤلف شماره ۱۲۰]

ابراهیم بن علی بن احمد بن عبدالرحمن بن عبدالمنعم بن عبدالصمد طرطوسی، دمشقی، حنفی، قاضی. در مژه به دنیا آمد و در دمشق وفات یافت. در فقه و اصول به اوج رسید و به تدریس و صدور فتوا مشغول بود و متولی حکم گردید.^{۳۱}

۱۶۰. تحفة الترك فیما یجب ان یعمل به فی الملک^{۳۲}

محمد بن نباته (۶۸۶ - ۷۶۸ هـ / ۱۲۸۷ - ۱۳۶۶ م) [مؤلف شماره ۱۲۱]

محمد بن محمد بن محمد بن حسن جذامی فارقی مصری، شاعر دوره خود، یکی از کاتبان و نامه نگاران آشنا با ادبیات. اصلش از میافارقین بود، اما در قاهره به دنیا آمد و از دنیا رفت. در شام سکونت گزید و در قدس متولی امر بهداشت شد و در قاهره صاحب سر سلطان ناصر حسن بود.^{۳۳}

۱۶۱. سلوک دول الملوک

این اثر که در شش باب تنظیم شده به موضوعاتی چون سیاست، اداره حکومت و نظام‌های جنگی می‌پردازد.^{۳۴}

۱۶۲. کتاب تدبیر الدول^{۳۵}

عبدالوهاب سبکی (۷۲۷ - ۷۷۱ هـ / ۱۳۲۷ - ۱۳۷۰ م) [مؤلف شماره ۱۲۲]

عبدالوهاب بن علی بن کافی بن تمام یوسف بن موسی بن تمام انصاری، شافعی، فقیه، اصولی، مورخ، ادیب، شاعر و نویسنده، متولد قاهره. با پدرش به دمشق آمد و ملازم ذهبی گردید و نزد او تحصیلات خود را به پایان برد و متولی قضاوت در مشق شد. خطیب جامع اموی بود و در غالب مدارس دمشق تدریس می‌کرد و در همان جا از دنیا رفت.^{۳۶}

۱۶۳. معید النعم و معید النقم^{۳۷}

این اثر روش جدیدی را در بررسی پدیده سیاسی به کار می‌گیرد؛ شکر نعمت به عنوان مفهوم معنوی که به عمل دینی تعلق می‌گیرد کارکردی در بهبود عمل سیاسی پیدا می‌کند. مکانیسم این امر

چنین تبیین می‌شود که افزایش فعالیت و اقدامات سیاسی ابزاری برای شکر نعمت الهی است، چرا که شکرانه نعمت‌های الهی استفاده بهینه از آنهاست. سبکی در همین چارچوب دیدگاه خود را در مورد نحوه فعالیت سیاسی در نهادهای گوناگون و در تمامی سطوح و مراتب آن بیان می‌دارد و در این زمینه با سلطان، والیان و... آغاز می‌کند و حدود ۱۱۳ کار ویژه عمومی مربوط به مصالح سیاسی اجتماعی را بر می‌شمرد.

محمد بن محمد بن عبدالکریم بن رضوان بن عبدالعزیز بعلی (متوفای ۷۷۴ هـ / ۱۳۷۲ م)
[مؤلف شماره ۱۲۳]

عالم فقه، در بعلبک به دنیا آمد و تحصیلات خود را در بعلبک، دمشق و حماة فراگرفت و در طرابلس شام از دنیا رفت.^{۳۸}

۱۶۴. حسن السلوک فی سیاست الملوک^{۳۹}

مجهول [مؤلف شماره ۱۲۴]

آنچه مشخص است این است که کتاب خود را در سال‌های ۷۵۹ تا ۷۸۶ به سلطان شجاع از سلاطین آل مظفر که بر آذربایجان، فارس، کرمان، اصفهان و شیراز حکم راندند اهدا نمود. به نظر می‌رسد او این اثر را پس از سال ۷۷۱ نوشته باشد.

۱۶۵. قانون السیاسة و دستور الرئاسة^{۴۰}

مؤلف این اثر را همچون کتاب سلوک الممالک ابن ربیع با استفاده از جدول و شیوه درختی تنظیم کرده و در سه قانون نگاشته است. قانون اول را به تهذیب اخلاق اختصاص داده و به فضایل فردی چون عدل، شجاعت و عفت پرداخته و سپس به بیماری‌های روانی حاکمان اشاره کرده است. از نظر او نفس و روان انسان شامل سه قوه تمییزیه (نظری و علمی)، غضبیه و شهوانیه است و با تشخیص نیروهای نفس و برتری دادن یکی از آنها بر دیگری می‌توان مسائل روانی حاکمان را معالجه کرد؛ در قانون دوم از نظارت بر اداره دارایی‌ها بحث کرده و از منابع درآمد و نحوه هزینه کردن دارایی در راستای رشد جامعه سخن گفته است؛ قانون سوم درباره ارزیابی و درجه‌بندی رعیت است. تفکیک نخبگان از مردم و نحوه تعامل با هر یک در این قانون بحث شده است. مؤلف در پایان به پادشاه سفارش می‌کند تا تدابیر مناسب اتخاذ کند، از کسانی که در گذشته تجاری داشته‌اند استفاده کند، بر معاونان و کارگزاران خود نظارت داشته باشد، مشورت را ضروری دانسته و از خود رأیی بپرهیزد.

عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیزری طبری (متوفای ۷۷۴ هـ / ۱۳۷۲ م) [مؤلف شماره ۱۲۵]

از قضاة و متولی قضاوت در طبریه (شام)^{۴۱}

۱۶۶. المنهج السلوك في سياسة الملوك^{۴۲}

این اثر که در نوزده باب تنظیم شده، با بحث نیاز رعیت به پادشاه عادل و نیاز پادشاه به فضیلت تربیت و ادب آغاز می‌شود و سپس وزرا، رعیت، قدرت، مال و قلعه‌ها [تجهیزات تدافعی] را به عنوان ارکان مملکت معرفی کند. مؤلف در ادامه، به بیان اهمیت مشورت و ویژگی‌های مشاوران، اداره ارتش و سربازان، تأمین امنیت راه‌ها و شورشیان خارجی پرداخته و در پایان پادشاه را سفارش کرده تا پند علما و اهل طریقت را شنیده و بپذیرد.

۱۶۷. نهاية الرتبة في طلب الحسبة^{۴۳}

این اثر شامل چهل باب است. باب نخست درباره متولی نهاد حسبه (محتسب)، وظایف، شرایط، لوازم و مستحبات آن است. شیوری طی نقد واقعیت آن روزها نقش حسبه را در تمام زوایای حیات اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و ابزارهای مناسب برای سازماندهی آن را تعیین می‌کند و بر اهمیت ارتباط محتسب با قاضی، اهل علم و اعمال حسبه بر والیان و امرا تأکید می‌کند.

لسان الدین بن خطیب (۷۱۳ - ۷۷۶ هـ / ۱۳۱۳ - ۱۳۷۴ م.) [مؤلف شماره ۱۲۶]

محمد بن عبدالله بن سعید بن احمد بن علی سلمانی لوشی، غرناطی اندلسی، لسان الدین ابن خطیب، ذوالوزارتین، ادیب، نویسنده و شاعر، آشنا به طب و علوم دیگر، از وزرا، در لوشه به دنیا آمد و در غرناطه نشو و نمو یافت. وزیر سلطان ابوالحجاج یوسف بن اسماعیل و پس از او پسرش الغنی بالله محمد از پادشاهان غرناطه بود. اما چون از سخن چینی و بدگویی دیگران نگران شد به سبته و سپس تلمسان نزد سلطان عبدالعزیز بن علی مرینی گریخت، چون سلطان المستنصر احمد بن ابراهیم توانست بر مغرب چیره شود، در پاسخ کمک‌های الغنی بالله، ابن خطیب، او را به تهمت زندیق و پیروی از فلاسفه دستگیر کرد. ابن خطیب به زندان افتاد و در سال ۷۷۶ هـ او را خفه کرده و کشتند. ابن خطیب در فاس به خاک سپرده شد.^{۴۴}

۱۶۸. الاشارة الى ادب الوزراء^{۴۵}

این رساله شامل شش رکن و یک مقدمه است. ابن خطیب در مقدمه بر اهمیت مقام وزارت و شرایط انتخاب وزیر تأکید کرده و معتقد است وزیر باید به نقش و جایگاه خود آگاه باشد و رفتار متناسبی را با شاه اتخاذ کند تا علاوه بر آن که اهداف خود را دنبال می‌کند در پناه شاه قرار گیرد و از او در امان باشد. او همچنین باید اخلاق شاه را بداند و مطابق آن رفتار کند. ابن خطیب در ادامه از نحوه رفتار وزیر با خواص دربار و صاحبان شوکت در دولت سخن می‌گوید.

۱۶۹. رسالة في السياسة / مقامة في السياسة / رسالة في غرض السياسة^{۴۶}

ابن خطیب این اثر را بنا به درخواست پادشاه گشتاله دون پدرو سنگدل (Don Pedro Cruel)

و به زبان خودشان نگاهت و در سه بخش و یک مقدمه تنظیم کرد. ابن خطیب در بخش اول درباره نحوه برخورد با رعیت و چگونگی معامله با بیگانگان ساکن در سرزمینش پندهایی به وی داد؛ در بخش دوم او از پادشاه گشتاله خواست که هر امری را در جایگاه خودش قرار دهد: فاصله خود را با مردم کم کند، از آنها بگذرد و حمایتشان کند، از آنچه حاکمان سابق، انجام می‌دادند دست بردارد و اشرافشان را گرامی بدارد و میان کسانی که به یاری اش آمدند و دیگران تفاوتی نگذارد. او پنج مسأله را مایه زوال پادشاهی معرفی می‌کند: خونریزی‌های غیر ضروری، طمع در گسترش قلمرو، شهوترانی پادشاه، کوچک شمردن علما و فقها و در نهایت ظلم؛ در بخش سوم او از پادشاه می‌خواهد که در مسائل مهم حکومتی دست بیگانگانی را که او را در درگیری‌هایش با حاکمان پیشین حمایت کرده‌اند باز نگذارد و اراضی مناطق فتح شده را از دست صاحبانش خارج نکند. باید اشاره کرد که حکومت گشتاله همان حکومتی بود که [بعدها] با همکاری حکومت آراگون به حضور مسلمانان در اندلس پایان داد.

۱۷۰. کتاب بستان الدول ۴۷

ابن خطیب سی بخش از این اثر بزرگ را به اتمام رسانید. هر بخش شامل ده درخت به نام‌های درخت سلطان، درخت نهاد وزارت، درخت نهاد کتابت، درخت نهاد قضا، درخت نهاد حسبه، درخت کار، درخت جهاد (سواره نظام و نیروی دریایی)، درخت پزشکان و دیگرانی که شاه بدانها نیاز دارد و درخت سرپرستی. بنابر سخن ابن خطیب، هر درختی از بخش‌ها، ریشه‌ها، تنه، پوسته، شاخه، گل‌های مثمر و غیر مثمر تشکیل شده و بر هر یک از اجزای این درخت نام حرفه مورد نظر و برنامه‌های آن نوشته شده است.

۱۷۱. تخصیص الریاسة بتلخیص السياسة ۴۸

نام دیگر این کتاب ارجوزه فی السياسة المدینه است^{۴۹} و شامل ششصد بیت شعر در علم سیاست به عنوان یکی از شاخه‌های علم قدیم (فلسفه) است. ابن خطیب مفصلاً در این ابیات از نیروهای سه گانه، درمان اخلاق و مسأله معیشت سخن گفته است.^{۵۰}

۱۷۲. رسالة فی احوال خدمة الدولة ۵۱

ابن رضوان مالقی (۷۱۸ - ۷۸۴ هـ / ۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ م) [مؤلف شماره ۱۲۷]

عبدالله بن یوسف بن رضوان بن یوسف بن رضوان بخاری، مالقی، فاسی، فقیه، خطیب، نحوی، لغت‌شناس، قصه‌گو، شاعر و نویسنده، از بزرگان ادب، در ازمور از دنیا رفت.^{۵۲}

۱۷۳. الشهب اللامعة فی السياسة النافعة ۵۳

ابن رضوان هجده سال پیش از آن‌که ابن خلدون کتاب خود را بنگارد این اثر را تألیف کرد. هر

چند ابن خلدون از او بسیار نقل کرده، اما نامی از او نبرده است. این کتاب به سلطان ابی سالم ابراهیم بن حسن مرینی که در سال‌های ۷۶۰ تا ۷۶۲ حکم می‌راند اهدا شد. سلطان شوق فراوانی داشت که بر مبنای قانونی سیاسی حکم براند، از این رو ابن رضوان این اثر را نگاشت تا مسائلی را که او با آن مواجه بود همچون رشوه، فساد، ظلم و... بر طرف سازد. این اثر در ۲۵ بخش نوشته شده است. مؤلف در آغاز از مسأله خلافت، ضرورت آن، وجوب اطاعت از امام و نصیحت کردن او، وجوب شنیدن نصایح و بزرگداشت اهل علم و صالحان سخن گفته است و در ادامه به مسائلی چون عدالت و فضیلت آن، شاه، تدابیر و خطی مشی دینی، خواص، وزرا و کاتبانش، اهمیت عمران و آبادانی مملکت، رواج ارزش‌هایی چون سخاوت و گشاده دستی و مکارم اخلاقی، امن ساختن راه‌ها و جاده‌ها، کیفرها، مسائل اقتصادی مرتبط با بیت المال چون عطا و توقیف، اداره سربازان و نظارت و اشراف بر جنگ‌ها پرداخته است. او در پایان اثر خود را با سخنی از دولت‌ها و نفرت از پادشاه و ویژگی‌ها و پندهای اخلاقی و... به پایان می‌برد.

محمد بن منکلی (متوفای ۷۸۴ هـ / ۱۳۸۲ م) [مؤلف شماره ۱۲۸]

محمد بن محمود منکلی بوغا قاهری، فاضل، آشنا با فنون جنگ، در دوره ملک الاشراف شعبان، از پادشاهان سلسله نخستین مملوکی، متولی منصب نقابت جنگ بود.^{۵۴} درباره نحوه اداره جنگ، کتاب‌های متعددی نوشت، از جمله الاحکام الملوكية و الضوابط الناموسیه،^{۵۵} التدبیرات السلطانية فی سياسة الصناعة الحربية،^{۵۶} الحیل فی الحروب و فتح المدائن و حفظ الدروب،^{۵۷} الرسالة المرضیة فی صناعة الجندیة،^{۵۸} و المنهل العذب لورود اهل الحرب.^{۵۹}

۱۷۴. العقد المملوک فیما یلزم جلیس المملوک^{۶۰}

موسی بن یوسف ابو حموبن زیان (متوفای ۷۹۱ هـ / ۱۳۸۹ م) [مؤلف شماره ۱۲۹]

ادیب، شاعر، از پادشاهان مغرب، در غرناطه به دنیا آمد. والدینش به آن‌جا تبعید شده بودند. سپس با پدرش به تلمسان رفت و او سفر خود را تا تونس ادامه داد. در آن‌جا حاکمان بنی حفص کمکش کردند تا سرزمینش را از حکومت بنی مرین باز پس گیرد. آن‌گاه پایتخت خود را تلمسان قرار داد. یکی از فرزندانش به نام عبدالرحمن بر او شورید و از بنی مرین کمک گرفت تا آن‌که پدرش را در یکی از نبردها به قتل رسانید.^{۶۱}

۱۷۵. واسطة السلوک فی سياسة المملوک^{۶۲}

این کتاب را برای پسرش عبدالرحمن - همانی که پدر را به قتل رسانید - نوشت تا پس از او مملکت را اداره کند. این اثر مشتمل بر چهار باب است. در دو باب نخست، از اصول پادشاهی که عبارتند از عدالت، انصاف، آراستگی به فضایل، ترجیح دادن عقل بر هوس، همواره متقی بودن، حفظ

دارایی، سربازان و ارتش، در باب سوم از ویژگی‌های نظام حکومتی و در باب چهارم از زیرکی که از نظر او منتهای سیاست است سخن می‌گوید.

مجهول (زنده در ۷۹۵هـ / ۱۳۹۳ م) [مؤلف شماره ۱۳۰]

۱۷۶. محاسن الملوك و ما يجب ان يتبع في خدمتهم من آداب^{۶۳}

محمد بن احمد بن بسام محتسب (متوفای اواخر سده هشتم هجری) [مؤلف شماره ۱۳۱]^{۶۴}

۱۷۷. نهاية الرتبة في طلب الحسبه^{۶۵}

این اثر در ۱۱۸ باب تنظیم شده و بنابر روش پیشینیان به موضوع نهاد حسبه پرداخته است. این اثر شباهت فراوانی با اثر شیزری دارد و عنوان این دو کتاب نیز یکی است، اما تفاوت‌هایی هم دارند. بی‌شک تا حد فراوانی ابن بسام از شیزری متأثر است، چرا که با نهاد حسبه، مفاهیم و دستگاه‌های آن سخن خود را آغاز کرده و آنگاه وارد حوزه‌های اجتماعی می‌شود.

عبدالرحمن بن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ هـ / ۱۳۳۲ - ۱۴۰۶ م) [مؤلف شماره ۱۳۲]

عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن حسن بن محمد حضرمی، اصالتاً اهل اشبیلیا است، اما در تونس به دنیا آمد. قاهری، مالکی، دانشمند، ادیب، مورخ، حکیم، متولی امر کتابت سز در فاس گردید و به غرناطه و بجایه از شهرهای اندلس سفر کرد، در آن‌جا دستگیر شد و شرایط سختی را گذرانید تا آن‌که به تونس بازگشت. پادشاه آن‌جا ابن خلدون را مورد احترام و بزرگداشت قرار داد، اما چون علیه او سخن چینی کردند به سمت شرق گریخت و متولی قضاوت بر مبنای فقه مالکی در قاهره شد. او از جمله کسانی بود که همراه نیروی نظامی به سمت تیمور لنگ حرکت کرد. ابن خلدون در قاهره از دنیا رفت.^{۶۶}

۱۷۸. مقدمة ابن خلدون^{۶۷}

این اثر که در سال ۷۷۹ به اتمام رسید، شهرت فراوانی پیدا کرد و اثری بی‌سابقه و منحصر به فرد در تاریخ اسلام شناخته شد؛ اما بررسی تطور اندیشه سیاسی در اسلام نمایانگر آن است که او ایده‌های خود را با تکیه بر اندیشه‌های گذشتگان و تطوّر آنها طرح کرده است. این مسأله به حدی جدی است که مطالعه مجدد این اثر برای درک نحوه تسلسل و حرکت اندیشه اسلامی ضروری است و در این مطالعه نباید مقدمه ابن خلدون را اثری فردی دانست و بر این باور بود که جز با نظریه قهرمانان نمی‌توان به فهم آن رسید. پیش از او، ایده تقسیم پادشاهی به سه گونه را ابن مقفع، عوامل عمران و ضرورت آن را ابن ابی ربیع، عصبيت و تشکیل دولت مبتنی بر آن را جوینی و غزالی در کتاب سرالعلمین، عمران و رابطه آن با عدالت و ظلم را ابن رضوان مالقی طرح کرده بودند. همچنین اندیشمندان پیش از وی به آرای بی‌همان صورت یا شیوه‌ای متفاوت قائل بودند که در مقدمه ابن

خلدون منعکس است. مقدمه ابن خلدون یک اثر دائرة المعارفی است که سهم سیاست در آن بیشتر از دیگر علوم است و حتی می‌توان گفت که موضوع سیاست محور تألیف معظم این کتاب است به گونه‌ای که می‌توان غالب مسائل طرح شده در مقدمه را با عمل سیاسی پیوند داد. ابن خلدون بررسی مفهوم عصیبت را به عنوان یک مفهوم بنیادین در تفسیر فعالیت سیاسی به کار برد و در سایه آن ماهیت پادشاهی، مراحل آن و جایگزینی دولت‌ها یا نظم سیاسی و رابطه تمدن با این مراحل را مورد بررسی قرار داد. او سپس به گونه‌های پادشاهی و انواع آن و دیوان‌های گوناگون به ویژه دیوان‌های مالی و اقتصادی می‌پردازد و معتقد است بین فعالیت اقتصادی دولت اعم از ظلم یا آبادانی با عمران و افول دولت‌ها رابطه وجود دارد. او به مسأله حجاب یا فاصله گرفتن شاه از رعیت نیز پرداخت و در پایان ضمن بیان نحوه صدمه خوردن دولت، این امر را ناشی از ساخت اقتصادی تحلیل کرد. روشن است که شیوه او در بررسی پدیده سیاست و تقسیمات آن، شیوه متداولی است و غالب اندیشه‌های او پیش از او طرح شده بودند.

قلقشندی (۷۵۶ - ۸۲۱ هـ / ۱۳۵۵ - ۱۴۱۸) [مؤلف شماره ۱۳۳]

احمد بن علی بن احمد بن عبدالله قلقشندی، در قلقشند به دنیا آمد و ساکن قاهره بود. ادیب، فقیه، شافعی، در علم نسب صاحب اثر است و نیابت سلطنت را به عهده گرفت. کتاب صبح الاعشی فی صناعة الاثشاء از اوست. ۶۸

۱۷۹. مآثر الانافة فی معالم الخلافة^{۶۹}

این اثر را به خلیفه معتضد که در ۸۱۷ هـ با او بیعت کردند تقدیم نمود و شامل مسائل ذیل است: تعریف مفهوم خلافت، شرایط آن و راه‌های انعقاد خلافت، وظایف متقابل خلیفه و مردم، دلایل عزل خلیفه یا ولی‌عهد او، وظایفی که خلفا در دوره‌های گذشته انجام می‌دادند و مقایسه آن شرایط با شرایط امروزی. قلقشندی سپس خلفا را از صدر اسلام تا خلافت المعتضد بالله بر می‌شمارد و در دوره هر خلیفه به حوادث مهم، ولایت‌های قلمرو اسلامی و اوضاع آنها و سرزمین‌هایی که زیر نظر خلافت بودند اشاره کرده و از چگونگی کنترل پادشاهان مصر یا شام یا مدینه و عراق از سوی خلیفه سخن می‌گوید. آنگاه از متونی که خلفای پیشین می‌نوشتند، اعم از بیعت نامه‌ها در گذشته و حال، عهدنامه‌ها و نامه‌های که به کارگزاران و والیان مناطق گوناگون، بحث می‌کند.

محمدناشری (۷۳۳ - ۸۲۱ هـ / ۱۳۳۲ - ۱۴۱۸ م) [مؤلف شماره ۱۳۴]

محمد بن عبدالله بن عمر بن ابی بکر بن عمر بن عبدالرحمن بن عبدالله، ناشری، یمانی، شافعی، فاضل و آشنا با تاریخ.^{۷۰}

۱۸۰. نصائح الایمانیه لذوی الولايات السلطانیة^{۷۱}

ابوبکر حصنی (۷۵۲ - ۸۲۹ هـ / ۱۳۵۱ - ۱۴۲۶ م) [مؤلف شماره ۱۳۵]

ابوبکر بن محمد بن عبدالمؤمن بن حریر بن مُعلی حصنی، دمشق، شافعی، فقیه، محدث. در روستای حصن از توابع حوران به دنیا آمد.^{۷۲}
۱۸۱. رسالة الامامة^{۷۳}

احمد المهدی (۷۷۵ - ۸۴۰ هـ / ۱۳۷۳ - ۱۴۳۷ م) [مؤلف شماره ۱۳۶]

احمد بن یحیی بن مرتضی بن مفضل بن منصور بن مفضل، نسب او به علی بن ابیطالب رضی الله عنه می‌رسد، یمینی، زیدی، امام المهدی، دانشمند و آشنا با بسیاری از علوم، در شوال ۷۹۳ در صنعاء با او بیعت کردند. (کحالة، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۶).
۱۸۲. کتاب الامامة، (نسخه خطی در جامع الکبیر در صنعاء به شماره ۵۸۷ در ۹۵ قطعه؛ از قطعه ۱۵۹ تا ۲۵۴).

محمود بن اسماعیل بن ابراهیم بن میکائیل خیر میتی (خیربیتی یاجیزی) - (زنده در ۸۴۵ هـ /

۱۴۴۱ م) [مؤلف شماره ۱۳۷]

فاضل، اشعری، حنفی^{۷۴}

۱۸۳. الدرّة الفراء فی نصیحة السلاطین و القضاة و الوزراء^{۷۵}

مؤلف تنها با این کتاب شناخته شده است؛ اما زمان نگارش کتاب کاملاً مشخص نیست. بر اساس نسخه خطی شماره ۴۱۲ مباحث اسلامی طاعت، تألیف این کتاب در شوال ۷۴۴ به پایان رسیده و به سلطان معز الاشراف خلیل بن شاهین ظاهری در مسلطیه تقدیم شده، اما بنابر اظهارات حاجی خلیفه در کشف الظنون به ابوسعید جقمق سلطان مصر تقدیم شده است. ابن فیروز آن را به زبان ترکی برگردانید و به سلطان سلیم دوم هدیه کرد و نام آن را الغرة البيضاء فی نصیحة السلاطین و القضاة و الوزراء نهاد.^{۷۶}

این کتاب از هشت باب تشکیل شده است. تعریف مؤلف از خلافت در باب اول، نقطه پایانی است برای بحث‌هایی که حول تطبیق حکومت در اسلام با حکومت تئوکرات در اندیشه غربی وجود دارد. او می‌گوید: «خلافت ریاست عمومی دین و دنیاست و نه جانشینی در مقام نبوت، بلکه جانشینی پیامبر در اجرای قوانین شرعی و حفظ قلمرو اسلامی است». وی در ادامه، مباحث امامت، شرایط امام، حکمت امامت و مبانی آن، وزارت و دیگر نهادها، مسائل شرعی مرتبط با پادشاهان، امرا و قضات را طرح می‌کند.

ابن حجر عسقلانی (زنده در ۸۵۲ هـ / ۱۴۴۹) [مؤلف شماره ۱۳۸]

محمد بن احمد بن علی بن حجر عسقلانی، مصری شافعی.^{۷۷}

۱۸۴. رساله فی مسألة شراء السلطان الارض من بيت المال لنفسه^{۷۸}

پاسخ به پرسش‌هایی، چون آیا شاه می‌تواند با اموال بیت المال خرید کند؟ آیا حق دارد مستقیماً به خرید و فروش بپردازد؟ در این کتاب طرح شده است.

محمد بن محمد بن خلیل اسدی (زنده در ۸۵۴ هـ / ۱۴۵۰ م) [مؤلف شماره ۱۳۹]

فاضل، او را با اثرش التیسیر والاعتبار می‌شناسد.^{۷۹}

۱۸۵. التیسیر والاعتبار والتحریر والاختبار فیما یحب من حسن التصرف والاختیار فی شؤون

الممالک الاسلامیه^{۸۰}

این اثر به ناظر دیوان انشا و کاتب سر در مصر تقدیم گردید و از یک مقدمه و چهار باب تشکیل شده است. در مقدمه، علاوه بر بررسی نقش علم در اصلاح و اهمیت نصیحت و تذکر، ده اصل را در این زمینه طرح می‌کند. در باب اول، حوادث و تحولات سرزمین‌های اسلامی و نتایج ناگوار و آسیب‌هایی را که در عرصه‌های عمومی و خصوصی به دنبال داشت، پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی که نتایج سیاسی همراه دارد به ویژه گرانی، قحطی و ظلم اجتماعی بحث می‌شود. اداره و اقدام مناسب، توجه و حفظ موقعیت علما، بزرگان رؤسا و به ویژه نقش علما، نحوه تأمین وضعیت و احترام شایسته آنها از مباحثی است که در باب دوم بحث می‌شود، در باب سوم، شرایط اقتصادی و به ویژه گرانی، کلاهبرداری، احتکار، قیمت‌گذاری و پول و مکانیسم تأثیرگذاری این عناصر بر مردم و آبادنی و چگونگی رهایی از بحران‌های ناشی از این مسائل مورد بحث قرار گرفته است؛ فصل چهارم به حاکمان مسلمان تعلق دارد و از حاکمان مسلمان خواسته شده برای یاری کردن دین و برپایی عدالت، به احکام شرع پای‌بند باشند.

۱۸۶. لواع الانوار و مطالع الاسرار فی النصیحة التامة لمصالح الخاصة و العامة^{۸۱}

این اثر که یکسال پیش از اثر پیشین نوشته شده، به ولیعهد اهدا گردید تا مشوق او در گسترش عدالت باشد. او در این اثر به والیان مصر، ضامنان این سرزمین و نگهبانان آن، جدیت و تلاش کارگزاران و خادمان در اطاعت از اوامر سلطان، حاکمان، والیان، ارکان دولت از جمله قضات و جانشینان آنها، وزراء، محتسبان، پول و داد و ستد می‌پردازد و به ارائه آسیب‌شناسی وضعیت مصر توجه می‌کند.

۱۸۷. النصیحة الكلية فی کل ما یتعلق بمصالح الراعی و الرعیة^{۸۲}۱۸۸. الاشارات العلییه فیما یوجب الخلل و الفساد و الصلاح فی احوال الرعیة^{۸۳}

ابن عربشاه (۷۹۱ - ۸۵۴ هـ / ۱۳۸۹ - ۱۴۵۰ م) [مؤلف شماره ۱۴۰]

احمد بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن عربشاه، اصالتاً دمشقی بود، رومی، حنفی، او را عرب

نمی‌شناسند، ادیب، تاریخ‌نگار، آشنا با علوم گوناگونی چون فقه، لغت، نحو و بلاغت، در قاهره از دنیا رفت. غرة السير في دول الترك و التتر اثر اوست.^{۸۴}

۱۸۹. فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء^{۸۵}

این اثر همچون کلیله و دمنه از زبان حیوانات و پرندگان مسائل نظام سیاسی را مورد بررسی قرار داده است، اما بر خلاف کلیله و دمنه مباحثی چون حکمت و اخلاق در آن مطرح نشده و تنها نظام سیاسی مد نظر مؤلف بوده است. بنا به سخن مؤلف، «این اثر را در صنعتی بدیع برای پادشاهان، امرا، متولیان عدالت، رؤسا و بزرگان نوشتم تا در نکات عبرت برانگیز، صفات عدالت، شرح حال دیگران و اخلاق پسندیده اندیشه کنند. این اثر مایه شادکامی ادیبان و عبرت خردمندان اعم از پادشاهان، نایبان، امرا و حاجیان است و در ده باب تنظیم شده است». ابن عربشاه، اثر خود را با موضوع ضرورت انس گرفتن با پادشاهان و نصیحت آنان آغاز کرده و در ادامه مسائلی چون ارزش‌های سیاسی و نهادی نظام سیاسی، شورا و عدالت را از طریق گفت‌وگو میان حیوانات طرح می‌کند. نکته‌ای که باقی می‌ماند آن است که نگارش کتاب از زبان حیوانات بیانگر امور سیاسی فرامتنی است و اشاره به شرایطی دارد که مؤلف را به سوی تعامل غیر مستقیم سیاسی کشانیده است. این شرایط در میان آثار پیشین و آثاری که در ادامه خواهد آمد مشهور است.

علی بن احمد بن محمد شیرازی (۷۸۸ - ۸۶۱ هـ / ۱۳۸۶ - ۱۴۵۷ م) [مؤلف شماره ۱۴۱]

فقیه، شافعی، اصولی، نحوی، منطقی، صوفی، مفسر، متولد بغداد و متوفای مکه.^{۸۶}

۱۹۰. تحفة الملوك و السلاطین فی الاخلاق و السلطنة و الوزارة^{۸۷}

این اثر را به حاکم مصر در سال‌های ۸۴۲ تا ۸۵۷، سلطان ابوسعید جقمق اهدا نمود و شامل یک مقدمه، هفت باب و خاتمه است. شیرازی در مقدمه به اهمیت نقش علم اعم از عقلی و نقلی، صفات شایسته علما و لزوم تفاوت نهادن میان عالمان حقیقی و جاهلان و تبهکارانی که نام عالم را بر خود نهاده‌اند می‌پردازد. در باب نخست که به خلافت تعلق دارد از مباحثی چون حقیقت، ضرورت و اهمیت خلافت، تباهی ناشی از خلأ خلافت و نتایج مثبت وجود آن، چون صلاح دین و دنیا، اطاعت خلیفه موجب اصلاح و مخالفت با او مایه تباهی است... بحث می‌شود؛ باب دوم این اثر به سلطنت اختصاص دارد و در آن به ماهیت سلطنت، شرایط سلطان، وظایف سلطان، اهمیت عدالت و ضرورت آن برای بهبود اوضاع، خطر ظلم و مفاسدی که در پی دارد توجه شده است. منظور از سلطنت در این‌جا همان ریاست عقلی است و خلافت همان نام یا منصبی است که مایه پیوند پادشاهان یا ممالک اسلامی پس از سقوط بغداد و انتقال خلافت به قاهره سپس قسطنطنیه می‌شد؛ باب چهارم سخن از امرا و ماهیت امارت و مصالح و منافع مبتنی بر آن، لزوم اطاعت امیر از خدا، پیامبر و سلطان

است؛ در باب پنجم به وظایف اهل علم و لزوم پند دهی آنان به سلطان پرداخته شده؛ از متولیان نهاد دین و وظایفی که چون اطاعت و نصیحت به عهده دارند و اهمیت توجه و رعایت وضعیت آنها در باب ششم بحث شده است؛ باب هفتم درباره رعیت و اقشار گوناگون آنهاست و نصیحت کردن برای خدا، پیامبر و اولی الامر از وظایف آنها شناخته شده و از سلطان خواسته شده در مورد آنان عدالت و احسان پیشه کند.

صالح بلقینی (۷۹۱ - ۸۶۸ هـ / ۱۳۸۹ - ۱۴۶۴ م) [مؤلف شماره ۱۴۲]

صالح بن عمر بن رسلان بن نصیر بن صالح کنانی، عسقلانی، اصالتاً بلقینی است، قاهری، شافعی، فقیه، متکلم، مفسر، محدث، شاعر، در قاهره به دنیا آمد و از دنیا رفت.^{۸۸}

۱۹۱. *ایضاح البرهان فی الثناء علی السلطان*^{۸۹}

موضوع این رساله تشویق دیگران به اطاعت از سلطان است.

عمر بن موسی بن محمد رجاجی (متوفای ۸۶۸ هـ / ۱۴۶۴ م) [مؤلف شماره ۱۴۳]^{۹۰}

۱۹۲. *رسالة فی السلطنة و ما للسلطین و ما علیهم*^{۹۱}

در چهار باب تنظیم شده و به وظایف و حقوق پادشاهان می‌پردازد.

خلیل بن شاهین (۸۱۳ - ۸۷۳ هـ / ۱۴۱۰ - ۱۴۶۸ م) [مؤلف شماره ۱۴۴]

شیخی، صفوی، ظاهری، فقیه، مورخ، ادیب، شاعر، در بیت المقدس به دنیا آمد و در طرابلس از دنیا رفت.^{۹۲}

۱۹۳. *زبده کشف الممالک و بیان الطرق و السالک*^{۹۳}

این کتاب گزیده‌ای از کتاب دیگر مؤلف به نام کشف الممالک و بیان الطرق و السالک است که در چهل باب تنظیم شده بود، ولی این اثر که گزیده آن است در دوازده باب تنظیم شده و شامل مباحث ذیل است: جغرافیای سیاسی مصر در آن عهد، سلطنت، صفات سلطان، آنچه که سلطان برای پای بندی به لوازم صفات پادشاهی بر آن متکی است؛ قضات، اهل حل و عقد، علما، شرایط آنها و واجبات آنان در قبال سلطان و مردم؛ وزرا و دیوان داران، نایب سلطان، اتابکان لشکر، امرای نظامی؛ نهادهای حکومت محلی در صحرا، اهمیت پل سازی و تأسیس کانال‌های توزیع آب؛ توصیف کامل سرزمین‌های اسلامی و نهادهای نظام سیاسی در آن‌جا، شیوخ عرب، امرای ترک و گروه‌های بازرگانی. بدین صورت او از همه عناصر کنش سیاسی گزارش تحلیلی ارائه می‌کند.

احمد محمدی اشرفی (متوفای ۸۷۵ هـ / ۱۴۷۰ م) [مؤلف شماره ۱۴۵]

حنفی، مورخ، آشنا به سیاست.^{۹۴}

۱۹۴. *البرهان فی فضل السلطان*^{۹۵}

۱۹۵. منهج السلوک فی سیرة الملوک^{۹۶}

طوغان شیخ محمدی (زنده در ۸۷۸ هـ / ۱۴۷۳ م) [مؤلف شماره ۱۴۶]
مصری، حنفی.^{۹۷}

۱۹۶. المقدمة السلطانية فی السياسة الشرعية^{۹۸}

در سال ۸۷۸ مؤلف این اثر را به ملک الاشرف قاتیبای اهدا کرد. شامل یک مقدمه و نوزده باب است. پس از طرح ضرورت سلطنت برای جامعه و صالح بودن سلطان برای بررسی دیدگاه قرآن در مورد حکومت به مطالعه آیات قرآنی در این زمینه می‌پردازد. این آیات همان آیاتی هستند که بعدها مودودی و سید قطب در بررسی مفهوم حاکمیت از آن بهره بردند. مودب بودن و خوش رفتاری حاکم، و مسائل حقوقی چون حدود، دیات، شهادت، تعزیرات، احکام سیاست‌های شرعی، حسب و امور مرتبط به آن، ارزش‌های اتخاذ شده در عمل سیاسی از جمله مباحثی است که ضمن ابواب کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. سیاست شرعی در این اثر با همان مفهوم اصطلاحی متعارفی که ابن نجیم و دده افندی و دیگران به کار برده‌اند لحاظ شده است.

مجهول. اثرش را به ملک اشرف قاتیبای اهدا کرد. [مؤلف شماره ۱۴۷]

۱۹۷. التبر المسبوك فی نصیحة الملوک^{۹۹}

آغاز سخن مؤلف در این اثر با مباحثی چون حقوق الهی، شناخت مراتب وجود و درجات انسان‌ها نزد خدا، آنچه را که حاکم باید در منابع پیشین از اخلاق شاهانه بداند، پیروی شاه از سیره خلفای راشدین است. او در ادامه به نقش دولت در جامعه بشری، جایگاه امام، ارتش، عدالت و مال در تأسیس دولت اشاره می‌کند، چرا که رعیت بدون عدالت نمی‌توانند تولید کنند. او در ادامه هفت اصل زیربنایی را طرح می‌کند که عبارتند از: رازداری و نپذیرفتن پند جز از عاقل دیندار، مقرب نکردن افراد جز کسانی که شاه به دین آنها شناخت دارد، دولتمردان را مورد تفقد خود قرار دهد، اعتماد به مردانی که در جریان امور و مراقبت از آن صداقت دارند، ضابطه‌مند کردن ورود رسولان و همنشینی با علما و زاهدان، اطلاع از اخبار ولایات در هر زمان، به وعده‌اش وفا کند و به مردم دروغ نگوید. مؤلف در ادامه به رفتار حاکم توجه می‌کند: چگونه حاکم باید به خدا نزدیک شود و با ادای وظایف خود شکر نعمت الهی را به جا آورد، چگونه حاکم به بررسی وضعیت مردم بپردازد و حق آنها را از ظالمان بگیرد و همواره عدالت و مشورت را در نظر داشته باشد و با کسانی مشورت کند که شاه را مسؤول ناکامی‌های خود ندانند و شجاع و صاحب رأی باشند. او به حاکم تأکید می‌کند که حفظ امنیت واجب تر از حفظ کرسی سلطنت است، چرا که تا زمانی که خانه محفوظ نباشد اندرون آن نیز ایمن نخواهد بود. شاه بهتر است رسولان و سفرای دولت‌ها را سریع‌تر بفرستد تا نتوانند با نیروی نظامی ارتباط

برقرار کرده و آنها را به دور خود جمع کنند و نظرشان را جلب کنند.

محمدکافیحی (۷۸۸ - ۸۷۹ هـ / ۱۳۸۶ - ۱۴۷۴ م) [مؤلف شماره ۱۴۸]

محمد بن سلیمان بن سعد بن مسعود رومی معروف به کافیحی یا کافیه‌جی، فقیه، اصولی، محدث، نحوی، مفسر، صوفی، صرفی، بیانی، منطقی، حکیم، ریاضی‌دان، متولد کلبه کی از مناطق صروخان، در مصر مشهور شد، سیوطی از ملازمان او بود، متولی شیخوخت خانقاهی در شیخونیه مصر شد.^{۱۰۰}

۱۹۸. سیف الملوک و احکام المرشد لهم الی سبیل الحق و الاحکام^{۱۰۱}

علی قلسادی (۸۱۵ - ۸۹۱ هـ / ۱۴۱۲ - ۱۴۸۶ م) [مؤلف شماره ۱۴۹]

علی بن محمد بن علی قرشی، بسطی، اندلسی، مالکی، معروف به قلساوی، منطقی، عروضی، فقیه، صوفی، محدث، نحوی، متوفای باجه از سرزمین‌های افریقا.^{۱۰۲}

۱۹۹. النصیحة فی السیاسة العامة و الخاصة^{۱۰۳}

محمد مصری (متوفای ۸۹۳ هـ / ۱۴۸۸ م) [مؤلف شماره ۱۵۰]

محمد بن عبدالرحمن مصری، مقدسی، شافعی، فاضل^{۱۰۴}

۲۰۰. بذل النصائح الشرعیه فیما علی السلطان و ولایة الامور و سائر الرعیة^{۱۰۵}

محمد بن أزرق (متوفای ۸۹۶ هـ / ۱۴۹۱ م) [مؤلف شماره ۱۵۱]

محمد بن علی بن محمد بن ارزق، أصبجی، غرناطی، اندلسی، مالکی، فقیه، قاضی، آشنا با برخی از علوم، متولی امر قضاوت در غرناطه تا زمان سلطه فرنگیان بر آن، پس از آن به تلمسان و سپس شرق رفت و حجّ به جا آورد و به مصر بازگشت و در بیت المقدس از دنیا رفت.^{۱۰۶}

۲۰۱. بدائع السلك فی طبائع الملك^{۱۰۷}

این اثر شامل دو مقدمه و چهار کتاب است و هر کتاب به دو باب تقسیم می‌شود.

او در مقدمه نخست، بیست دلیل عقلی برای وجود پادشاهی ذکر می‌کند؛ از جمله آن که جامعه بشری امری ضروری است. مقدمه دوم به بیست دلیل شرعی در این زمینه اختصاص یافته، از جمله آن که وجود سلطانی بازدارنده لازم است. در کتاب نخست از حقیقت سلطنت، خلافت و دیگر گونه‌های نظام سیاسی شرایط و علل وجودی آنها بحث می‌شود. مباحث کتاب دوم عبارت است از: مبانی و اصول ضروری و کمالی پادشاهی و همچنین فعالیت‌هایی که صورت پادشاهی را شکل می‌دهد، از جمله نصب وزیر، اقامه شریعت، تأمین نیروی نظامی، نگهداری از دارایی‌ها، آبادانی، اجرای عدالت، تولید برنامه‌های دینی، سازماندهی سطوح پادشاهی و ایجاد زمینه‌هایی برای انجام کارها به بهترین شکل از جمله علم، عقل، شجاعت، عفت، گشاده دستی، بخشش، بردباری و کنترل خشم، کتاب سوم به مباحثی اختصاص دارد که شاه با انجام آن موجب استوار شدن مبانی سلطنت

می‌شود؛ از جمله نگهداری از دین، اجرای حدود و احکام دین و آنچه موجب اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر مناسب از سوی شاه می‌شود؛ تدابیری که او در برابر خاصه از جمله وزرا یا رعیت و یا حوادث غیر مترقبه یا جهاد اتخاذ می‌کند، در باب چهارم از آسیب‌های سلطنت سخن به میان آمده است، اموری چون هوسرانی، ذلت، اختصاص به خود دادن شکوه، حجاب و فاصله گرفتن از مردم و صدمه دیدن عصبیت و تلف شدن اموال.

عزالدين الهادي الى الحق (٨٤٥ - ٩٠٠ هـ / ١٤٤١ - ١٤٩٥ م) [مؤلف شماره ١٥٢]
عزالدين بن حسن بن علي بن مؤيد بن جبريل يمني، از امامان زیدی، ملقب به الهادی الی الحق، اهالی «قلله» با او بیعت کردند، سرزمین‌های سوره، کحلان شرقین و شامیه در یمن را تحت کنترل خود درآورد در صنعا از دنیا رفت.^{١٠٨}

٢٠٢. رساله غراء فی بیان احکام مثبت الامامة و نافیها^{١٠٩}

مجهول (اثرش را به سلطان قنصوه غوری هدیه کرد) [مؤلف شماره ١٥٣]

٢٠٣. آداب الملوك^{١١٠}

محور این اثر ارتباط میان عبادت‌ها و عدالت سلطان است. از نظر او سلطان سایه خداوند در زمین است و باید همچون خداوند متخلق به صفات او باشد. او ضمن تأکید بر صفات عدالت از شاه می‌خواهد که در برخوردش با رعیت نیکوترین ویژگی‌ها را داشته باشد. سلطان باید به امور دینی توجه نشان دهد، چرا که طبع انسان‌ها تنها با امور دینی بهبود می‌یابد. علاوه بر این، عمران و آبادانی و جلوگیری از ظلم کارگزاران به مردم و نظارت بر آنان از اموری است که شاه باید به آن بپردازد.

مجهول (کتاب خود را به سلطان قنصوه غوری تقدیم کرد) [مؤلف شماره ١٥٤]

٢٠٤. تذكرة الملوك الى احسن السلوك^{١١١}

این اثر متشکل از چهار باب است. در باب نخست او از پادشاه می‌خواهد که خود نحوه اصلاح وضعیت رعیت را شناسایی و دنبال کند و در این زمینه از رفتار سیاسی عمر بن خطاب مثال می‌زند. در باب دوم به نقش وزیر در نصیحت پادشاه و اهمیت و ضرورت شوری و پای‌بندی شاه به آن اشاره شده و در باب سوم سخن از اجرای احکام و تحقق عدالت توسط قضات به میان آمده است. لشکر داری و مراعات حال سربازان در باب چهارم بحث شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۵۱.
۲. قاهره: مکتبه محمد علی صبیح، ۱۹۶۲ م و نیز بیروت: دارالصادر، در ۲۷۰ ص.
۳. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۳، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.
۴. قاهره: وزارت معارف؛ پس از آن بنا به خواسته خدیواسماعیل (۱۸۶۱ - ۱۸۷۳ م) بر حاشیه تاریخ الخلفای سیوطی به چاپ رسیده است.
۵. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۵.
۶. نسخه خطی در کتابخانه گوته در آلمان و کتابخانه ایاصوفیه در ترکیه.
۷. نسخه خطی در کتابخانه لی لاله لی در استانبول به شماره ۱۶۰۷ در ۱۵۳ قطعه، میکروفیلم در معهد المخطوطات العربیه در قاهره.
۸. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱، ص ۲۶۱.
۹. تحقیق محمد ابراهیم البنا و محمد عاشور، قاهره: دارالشعب، ۱۹۷۱ م، در ۱۷۵ ص.
۱۰. قاهره: مطبعة المؤید، ۱۳۱۸ ه، در ۹۳ ص.
۱۱. تحقیق صلاح الدین المنجد، بیروت: دارالکتاب الجدید، ۱۹۶۷ م، و نیز تحقیق عبدالعزیز البرماوی اسکندریه: مکتبه الایمان، در ۶۳ ص.
۱۲. سیف الدین عبدالفتاح اسماعیل، الجانب السیاسی لمفهوم اختیار لدى المعتزله بین الادراک الذاتی و الفهم الاستشراقی، قاهره: دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه قاهره، پایان نامه کارشناسی ارشد، (منتشر نشده)، ۱۹۸۳ م.
۱۳. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۸۱.
۱۴. تحقیق محمد محمد شعبان، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، در ۳۰۶ ص.
۱۵. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.
۱۶. نسخه خطی در کتابخانه ایاصوفیه ترکیه. بغدادی در ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۵۹۸ به آن اشاره کرده است.

۱۷. از مقدمه محقق.
۱۸. تحقیق فؤاد عبدالمنعم احمد، دوحه: رئاسة المحاكم الشرعية والشؤون الدينية، نوبت اول، ۱۹۸۵ م.
۱۹. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.
۲۰. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۷۷۴ فقه شافعی؛ میکروفیلم شماره ۴۲۸۲۵. بغدادی در ایضاح المکنون ج ۲، ص ۵ همین کتاب را به زین العابدین محمد عمری شافعی معروف به سبط مرصفی (متوفای ۹۶۵ هـ) منسوب دانسته است.
۲۱. شرح حالی از او نیافتیم.
۲۲. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۶۹۰ تعلیم تیمور؛ میکروفیلم ۲۰۵۲۲ در ۲۳ ص.
۲۳. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۶؛ زرکلی، الاعلام، ج ۸، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.
۲۴. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۵۹ عقائد؛ در کتابخانه رئیس کتاب در استانبول نسخه‌ای از آن به شماره ۲/۱۱۸۵ وجود دارد.
۲۵. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۸، ص ۲۴۷.
۲۶. نسخه خطی در کتابخانه کشک بغداد به شماره ۹۳ در ۵۷ قطعه؛ تصویری از آن در معهد المخطوطات العربیه در قاهره وجود دارد.
۲۷. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۷، ص ۱۲۱.
۲۸. قاهره چاپ مصطفی بابی حلبی، ۱۹۶۹ م، در ۲۶۴ ص.
۲۹. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.
۳۰. تحقیق محمد جمیل احمد، قاهره: مطبعة الدنی، ۱۹۶۱ و ۱۹۷۷، در ۴۷۶ ص.
۳۱. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.
۳۲. تحقیق رضوان السید، بیروت: دارالطلیعه.
۳۳. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۷۳؛ بغدادی، هدیه العارفين، ج ۲، ص ۱۶۴.
۳۴. نسخه خطی در کتابخانه اسعد افندی در استانبول شماره ۱۸۲۲ که در ۸۴ ورق است که تصویری از آن در معهد المخطوطات العربیه در قاهره وجود دارد؛ نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه بودلیان اسکفورد به شماره ۲۹ در مجموعه سلد سوپرینج در ۱۰۹ ص وجود دارد که تصویر آن در دانشگاه اردن به شماره ۷۲۹ تهیه شده است.
۳۵. نسخه خطی در دانشگاه امریکایی بیروت (Ms 320: M95 mrA) در ۸۴ ورقه وجود دارد. نسخه‌ای دیگر در دانشگاه دمشق به شماره ۱۹۶۶ هست.
۳۶. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۶.
۳۷. تحقیق محمد علی نجار، قاهره: دارالکتاب العربی، ۱۹۸۴ م، ۱۶۱ ص.
۳۸. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۳۵؛ زرکلی، پیشین، ج ۷، ص ۳۹.

۳۹. نسخه خطی در کتابخانه احمدیه در جامع زیتونه در تونس به شماره ۵۰۸۴ در ۹۷ قطعه.
۴۰. تحقیق محمد جاسم حدیثی، بغداد، دارالشؤون الثقافية، وزارة الثقافة والاعلام، ۱۹۸۷ م، ۱۵۳ ص.
۴۱. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۷ - ۱۹۸.
۴۲. چاپ شده در قاهره، ۱۳۲۶ هـ. / ۱۹۷ م؛ و نیز در اردن، دارالمنار، الزرقاء؛ قبلاً در نیز چاپ شده بود: قاهره، مطبعة بولاق در ۱۸۴۱؛ چاپ مصر در ۱۳۰۶ / ۱۸۸۸ م. نسخه خطی آن در دارالکتب الازهریه شماره ۱۱۸۶ حسین باشا وجود دارد که ترجمه آن به زبان ترکی به دست نحیفی محمدافندی کلیبولی متوفای ۱۲۰۳ هـ / ۱۷۸۹ م صورت گرفت و نسخه خطی تحقیق نشده آن در کتابخانه کوبریلی، وقف محمد عاصم بک شماره ۴۰۴ وجود دارد.
۴۳. تحقیق سید الباز العرینی، قاهره: لجنة التألیف والترجمة والنشر، ۱۹۴۶ م، ۱۲۹ ص.
۴۴. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۱۶.
۴۵. به کوشش عبدالقادر زمامة، مجلة مجمع اللغة العربیة، دمشق، مجلد ۴۷، ۱۹۷۲ م؛ و نیز به کوشش وداد القاضی، مجلة الفكر العربی، بیروت، ش ۲۳، اکتبر و نوامبر ۱۹۸۱؛ نسخه خطی آن در خزانه العامة در رباط به شماره (D۱۰۹۲)۲۴۱۰ و نیز به شماره (D۱۴۰۵)۲۴۱۱ وجود دارد.
۴۶. این اثر را محمد بن ابی بکر تطوانی، دکتر شوقی ضیف و داکلاس مورتون مورد بررسی قرار داده‌اند. ر.ک: نفع الطیب، ج ۶، ص ۴۳۱ - ۴۴۵: الاحاطه، ج ۴، ص ۶۱۴ - ۶۳۴؛ نسخه خطی آن در خزانه العامة در رباط به شماره (D۹۷۲)۲۴۱۲ وجود دارد. [این اثر با سه عنوان به ثبت رسیده].
۴۷. وداد القاضی در منبع پیشین، ص ۱۷۵ آن را معرفی کرده است؛ همچنین ر.ک: الاحاطه، ج ۴، ص ۴۶۰ و نفع الطیب، ج ۷، ص (۱۹۷ - ۱۹۸).
۴۸. ر.ک: محمد ابوبکر تطوانی، ابن خطیب من خلال کتبه، تطوان: ۱۹۴۵؛ ابن خطیب، نفاضة الجراب، تحقیق احمد مختار عبادی، قاهره: ص ۱۸۸.
۴۹. بغدادی، ایضاح المکتون، ج ۲، ص ۳۲.
۵۰. دکتر وداد قاضی، جوانب من الفكر السیاسی للسان الدین بن الخطیب، پیشین، ص ۲۷۴.
۵۱. نسخه خطی در خزانه العامة در رباط به شماره (D۹۷۲)۲۴۱۴.
۵۲. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۶، ص ۱۶۴.
۵۳. تحقیق علی سامی النشار، دارالبیضاء: دارالثقافة، ۱۹۸۴ م، ۳۸۸ ص.
۵۴. عمر رضا كحاله، پیشین، ج ۱۲، ص ۸ و ۵۳.
۵۵. تحقیق عبدالعزیز عبدالدایم. این کتاب درباره استراتژی جنگ‌های دریایی است.
۵۶. تحقیق محمد شیب خطاب، بغداد: المجمع العلمی العراقی، ۱۹۸۸ م.
۵۷. تحقیق صادق محمد جمیلی، مجله موارد العراقیه، مج ۱۲، ش ۴، ۱۹۸۳ م.

۵۸. نسخه خطی در ایا صوفیه و الخزانة العامة در رباط.
۵۹. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳.
۶۰. همان، ج ۱۲، ص ۵۳.
۶۱. همان، ج ۱۳، ص ۵۰ - ۵۱.
۶۲. تونس: مطبعة الدولية التونسية، ۱۳۷۹ هـ، ۱۷۴ ص.
۶۳. نسخه خطی در دارالکتب المصریة به شماره ۲۳۹۸ و کتابخانه توپ قاپی سرای در استانبول (احمد سوم) به شماره ۳۰۵۲، تصویری از آن در معهد المخطوطات العربیة در قاهره وجود دارد که در ۷۷ قطعه است.
۶۴. شرحی از او نیافتیم اما محقق کتابش بر این باور است که این بسام فردی مصری است که در مقطعی متولی نهاد حسبه بود.
۶۵. تحقیق حسام الدین سامرائی، بغداد: مطبعة المعارف، ۱۹۶۸ م، ۲۲۵ ص.
۶۶. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۸.
۶۷. بارها تحقیق شده و به چاپ رسیده است. من از تحقیق دکتر علی عبدالواحد استفاده کردم که تاکنون سه جلد آن منتشر شده است.
۶۸. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۷.
۶۹. تحقیق عبدالستار احمد فراج، کویت: سلسلة التراث العربی، ۱۹۸۴ م، در ۳ مجلد.
۷۰. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۲۸.
۷۱. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۴۹.
۷۲. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۳، ص ۷۴.
۷۳. نسخه خطی در کتابخانه اصفدیة در حیدرآباد به شناسه ۹۲ کلام - ف ۳۱۷۱، تصویری از آن در معهد المخطوطات العربیة در قاهره وجود دارد که ۶۰ ورق است.
۷۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۵۲.
۷۵. نسخه خطی در دارالکتب المصریة به شماره ب ۲۳۲۹۲ (۶۲ قطعه، نگارش در ۸۴۳ هـ) و نیز شماره ۴۱۲۰ میاخذ اسلامیة طلعت (۱۷۳ ص نگارش ۸۷۴ هـ)، میکروفیلم ۱۰۰۸۹، نسخه‌های دیگری در فیلشر آلمان و دارالکتب الظاهریة در دمشق (شماره ۲۷) وجود دارد.
۷۶. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ص ۷۴۱.
۷۷. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۸، ص ۲۹۵.
۷۸. نسخه خطی در کتابخانه کوبریلی در ترکیه به شماره ۱۶۲۹.
۷۹. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۱۴.
۸۰. تحقیق عبدالقادر طلیمات، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۶۸ م، ۸۵ ص.

۸۱. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۱۴. خود مؤلف نیز در کتاب تیسیر والاعتبار به این کتاب اشاره کرده است.
۸۲. مؤلف در مقدمه التیسیر والاعتبار به این اثر اشاره کرده است.
۸۳. مؤلف در مقدمه التیسیر والاعتبار به این اثر اشاره کرده است.
۸۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۲.
۸۵. قاهره: ۱۲۹۰ هـ، ۲۵۳ ص.
۸۶. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۷، ص ۲۶.
۸۷. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۱۷۲ اجتماع تیمور، میکروفیلم به شماره ۱۲۰۸۴ در ۵۹ قطعه.
۸۸. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۵، ص ۹.
۸۹. نسخه خطی در خزانه العامة در رباط به شماره ۲۰۳ک. نسخه دیگری در دانشگاه اردن به شماره ۱۸۰ وجود دارد.
۹۰. شرح حالی از او نیافتیم.
۹۱. نسخه خطی در خزانه العامة للکتب والوثائق در رباط؛ نسخه‌ای از آن در اسکوریال به شماره ۱۹۲۷ با عنوان هدایه من تولى غیر الرب المولى فى امور السلطنة و ما يجب على السلاطين و ما ینبغى عليهم و ماليس لهم وجود دارد؛ و نیز نسخه‌ای در خزانه حسنیه در مغرب به شماره ۳۹۱۲ وجود دارد که برولیو جوستیل کلابوسو (Broulio gustel Caloboso) متن آن را مورد بررسی و تحقیق قرار دارد و به زبان اسپانیولی ترجمه کرد؛ مادرید: منشورات المعهد الاسبانى العربى الثقافى، ۱۹۸۳ م.
۹۲. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۴، ص ۱۲۰.
۹۳. قاهره: دارالعرب للبیستانی، ۱۹۸۹ م؛ پیش از این پولس راویس در پاریس: چاپخانه الجمهوریه، ۱۸۹۴ م آن را به چاپ رسانیده بود.
۹۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۰.
۹۵. نسخه خطی در کتابخانه رفاعه رافع طهطاوی در سوهاج مصر به شماره ۸۰ تاریخ، در کتابخانه ظاهریه دمشق نسخه‌ای از آن به شماره ۱۰۷۴۵ و نیز در دارالکتب المصریه به شماره ۹۹۰۷ ادب وجود دارد. تصویری از آن در معهد المخطوطات العربیه در قاهره هست.
۹۶. نسخه خطی در ایاصوفیه ترکیه؛ بغدادی در هدایه العارفین، ج ۱، ص ۱۳۳ به آن اشاره کرده است.
۹۷. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۵، ص ۴۵.
۹۸. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۱۷۲۶ فقه حنفی در ۱۸۴ قطعه، نسخه ناقصی از آن در دانشگاه ملک سعود به شماره ۴۰۰۴ با عنوان مقدمه فى الاحکام السلطانیة و السیاسة الشرعیة وجود دارد.
۹۹. نسخه خطی در دانشگاه قاهره به شماره ۲۰۷۱۴.
۱۰۰. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۱؛ بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۳۶.
۱۰۱. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۲۴ اجتماع تیمور و شماره ۲۴۲۶۳ ب در ۵۱ قطعه، در کتابخانه گوته در برلین

- به شماره A ۱۸۸۴ در ۵۳ ورقه؛ در معهد التراث العلمی العربی در حلب به شماره ۱۴۸۴.
۱۰۲. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۷، ص ۲۳۰.
۱۰۳. بغدادی، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۵۴ همو، هدیة العارفین، ج ۱، ص ۷۳۷.
۱۰۴. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۵۶.
۱۰۵. نسخه خطی در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۳۴۵۱ در ۱۲۹ بخش. میکروفیلم آن در دانشگاه امریکایی بیروت به شماره (Mic_A_359) وجود دارد. بغدادی در هدیة العارفین، ج ۲، ص ۲۱۵ این اثر را به او نسبت داده، اما دیگران آن را به محمد اشبیلی و ابن رفعه نسبت داده‌اند.
۱۰۶. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۱۱، ص ۴۳.
۱۰۷. تحقیق علی سامی النشار، بغداد: وزارة الاعلام، جزء اول در ۱۹۷۷ م و جزء دوم در ۱۹۸۷ م.
۱۰۸. عمر رضا کحاله، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۵.
۱۰۹. نسخه خطی در جامع الکبیر شهر صنعاء به شماره ۱۱۲. بغدادی در هدیة العارفین نام این اثر را العنایة التامة فی شرح مسائل الامامة دانسته است.
۱۱۰. به کوشش محمدنصر مهنّا در مطالعه‌ای به نام «من الفكر السياسي المصري: دراسة و تحقیق و مناقشه حول اشکالیه التراث» سمینار العلوم السیاسیه فی الوطن العربی، لارناکا، قبرص، چهارم تا هشتم اکتبر ۱۹۸۵.
۱۱۱. نسخه خطی در دارالکتب المصریه به شماره ۲۳۹۸ تاریخ، میکروفیلم شماره ۳۵۱۰۱، نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایا صوفیه و ترکیه به شماره ۳۱۴۴ وجود دارد. همچنین در دانشگاه امریکایی بیروت نسخه‌ای به شماره (Mic_A - 110) هست.